

جایگاه ابن اثیر و کتاب «النهاية في غريب الحديث و الأثر»

محمد ملكي نهاوندی*

چکیده

ابن اثیر (م ۶۰۶ ق)، یکی از تواناترین غریب‌نگاران حدیث است و کتاب وی، **النهاية في غريب الحديث و الأثر**، یکی از مهم‌ترین کتاب‌های غریب الحدیث به شمار می‌رود. توانایی‌های فردی ابن اثیر، تسلط او بر علوم مرتبط با غریب الحدیث هم‌چون لغت و حدیث و هم‌چنین بهره‌گیری از همه دستاوردهای گذشتگان، سه عنصر اساسی در موفقیت او در این دانش و نیز توجه زیاد صاحب‌نظران پس از او به کتاب **النهاية** نیز نشان‌گر قوت کار وی در این عرصه است. **کلید واژه‌ها:** ابن اثیر، غریب الحدیث، **النهاية**.

مقدمه

غریب الحدیث دانشی است که از صدر اسلام مورد توجه بسیاری از علمای دین قرار داشته و در این زمینه کتاب‌های متعددی به نگارش در آمده است.

اهمیت بالا و ضرورت بهره‌گیری از این دانش، باعث شده بسیاری از چهره‌های شاخص علمی هم‌چون زمخسری (م ۵۳۸ ق) در این عرصه وارد شوند و به این دانش هر چه بیشتر رونق بخشند.

ابن اثیر (م ۶۰۶ ق) نیز یکی از چهره‌های علمی قرن ششم هجری است که با نگاشتن کتاب معروف خود، **النهاية في غريب الحديث و الأثر**، یکی از ماندگارترین آثار را در زمینه غریب الحدیث به جامعه علمی مسلمانان تقدیم کرده است.

در این مختصر بر آنیم ضمن معرفی کامل این محدث توانا، جایگاه او را در این دانش مشخص کنیم و میزان اعتماد صاحب‌نظران پس از وی را به کتاب **النهاية** نیز بررسی نماییم.

* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده اصول دین قم.

۱. نگاهی به زندگی ابن اثیر

نام کامل او، مجد الدین ابو السعادات مبارک بن محمد بن عبد الکریم بن عبد الواحد شیبانی جزری موصلی شافعی است (البداية و النهاية، ج ۱۳، ص ۶۵). وی که ملقب به مجد الدین و معروف به ابن اثیر است، (الأدباء، ج ۱۷، ص ۷۱) در سال ۵۴۴ هجری قمری در جزیره ابن عمر به دنیا آمد (سیر اعلام النبلاء). مبارک، دو برادر کوچکتر از خود دارد. یکی از آن دو، عز الدین ابو الحسن علی (م ۶۳۰ ق)، مورخ مشهور و صاحب کتاب **الکامل فی التاریخ** است و دیگری، ضیاء الدین ابو الفتح نصر الله وزیر است که کتاب **المثل السائر فی أدب الکاتب و الشاعر** را نوشته است. (الأدباء، ج ۱۷، ص ۷۲). مجد الدین، ثلث عمر خود را در زادگاهش گذراند و در ۲۱ سالگی راهی موصل شد تا بتواند از زمینه‌های علمی آن دیار بیشتر بهره گیرد. (البداية و النهاية، ج ۱۳، ص ۶۶؛ معجم الأدباء، ج ۱۷، ص ۷۳).

برای او اساتید مختلفی نام برده‌اند. در ادبیات عرب، از اساتیدی هم‌چون ابو محمد سعید بن هان بغدادی نحوی، و علی ابن حرم مکی بن ریان ماکینی نحوی عزیز، نام برده شده است. (معجم الأدباء، ج ۱۷، ص ۷۱؛ المكتبة العصرية، ج ۲، ص ۲۷۴؛ إنباه الرواة علی أنباه النخاه، ج ۳، ص ۲۵۷). از جماعت بسیاری نیز حدیث شنیده است که از آن میان نام ابو بکر یحیی بن سعدون قرطبی، و ابو الفضل عبد الله بن احمد بن محمد طوسی دیده می‌شود (معجم الأدباء، ج ۱۷، ص ۷۱). در سفری که به حج داشته است در بین راه به بغداد نیز سفر می‌کند و در آن جا نیز از تعدادی از علمای آن دیار حدیث می‌شنود که ابن کلیب، عبد الوهاب بن سکینه و ابو القاسم صاحب بن خل، از آن جمله‌اند (همان‌جا؛ بغية الوعاة، ج ۲، ص ۲۷۴). وی پس از بازگشت از بغداد، به دستگاه حکومت در موصل نزدیک می‌شود و کم کم مورد توجه درباریان قرار می‌گیرد و نزد آنان جایگاهی رفیع یافت تا جایی که از طرف نور الدین، حاکم وقت، پیشنهاد وزارت به او داده می‌شود. ر.ک: وفيات الأعیان، ج ۴، ص ۱۴۱).

ابن اثیر در اواخر عمرش مریض و فلج می‌شود و از حرکت می‌ماند و این مرض تا هنگام وفاتش او را رها نمی‌سازد. ابن خلکان معتقد است همه کتاب‌های ابن‌اثیر در همین ایام مریضی‌اش و به صورت املاء بر شاگردانش نوشته شده است (الأعیان، ج ۴، ص ۱۴۲).

۱-۱. ابن اثیر در نگاه دیگران

یاقوت الحموی که معاصر ابن اثیر بوده است، او را دانش‌مندی فاضل و آگاه به علم عربی، قرآن، نحو، لغت و حدیث می‌داند:

كان عالماً فاضلاً و سيداً كاملاً. قد جمع بين علم العربية و القرآن و النحو و اللغة و الحديث و شيوخه و صحته و سقمه و الفقه و كان شافعياً (معجم الأدباء، ج ١٧، ص ٧١).

برادرش عزّ الدین نیز در مورد او گفته است:

كان عالماً في عدّة علوم مبرّزاً فيها، منها الفقه و الاصولان و النحو و الحديث و اللغة. و له تصانيف مشهورة في التفسير و الحديث و النحو و الحساب و غريب الحديث (الكامل في التاريخ، ج ١، ص ٣٣٣).

ابن کثیر نیز پس از معرفی کامل او عنوان می‌کند: از مهم‌ترین ویژگی‌های ابن اثیر این است که حدیث بسیاری شنیده است و در علوم مرتبط با قرآن بسیار خوب کار کرده است و هم‌چنین در علوم مختلف کتاب‌هایی نوشته است (البداية و النهاية، ج ١٣، ص ٤٦).

قفطی نیز که از شاگردان ابن اثیر به شمار می‌رود، در *إنباه الرواة* به کثرت شنیدن حدیث به عنوان یکی از امتیازات ابن اثیر تصریح می‌کند (*إنباه الرواة على أنها النخاة*، ج ٣، ص ٢٥٧). از آن چه گفته شد می‌توان تا حدود زیادی با شخصیت علمی ابن اثیر آشنا شد. وی در علوم مختلف صاحب نظر بوده است، بویژه با علوم مرتبط با موضوع غریب الحدیث، حدیث، تفسیر، ادبیات و لغت، چهار علم بسیار مهم برای نوشتن کتاب غریب الحدیث است که وی در این علوم صاحب نظر بوده و در میان کتاب‌هایش به مواردی در این زمینه بر می‌خوریم که در ادامه خواهد آمد.

٢. آثار ابن اثیر

برای او آثار مختلفی ذکر شده است. ابن خلکان، نام شش کتاب برای او آورده است (وفیات الأعیان، ج ٤، ص ١٤٢). ابن کثیر نیز نام سه کتاب را ذکر کرده و نام بقیه را با تعبیر «و غیر ذلک» و می‌گذارد (*البداية و النهاية*، ج ١٣، ص ٤٧). یاقوت حموی نیز نام ده کتاب را برای او ذکر می‌کند (معجم الأدباء، ج ١٧، ص ٧٢).

با بررسی آن چه در این کتب آمده و با توجه به برخی دیگر از اقوال می‌توان نام شانزده کتاب را برای ابن اثیر ذکر کرد که در ادامه به معرفی اجمالی آنها می‌پردازیم.

٢-١. النهاية في غريب الحديث و الأثر

کتاب *النهاية في غريب الحديث*، اثر ارزش‌مند ابن اثیر جزری، یکی از مهم‌ترین کتاب‌های تدوین شده در دانش غریب الحدیث است و قرن‌هاست که مورد استفاده پژوهش‌گران و علمای دین قرار می‌گیرد. این کتاب، مهم‌ترین اثر ابن اثیر به شمار می‌رود که در آن به شرح و بیان کلمات غریب در احادیث پرداخته است. این کتاب، استدراکی بر کتاب‌های هروی و ابوموسی است، ولی ابن اثیر توانسته است تلفیقی مناسب از کلام خود و مطالب این دو کتاب به وجود آورد، به طوری که خواننده کتاب، *النهاية* را کتابی یک‌دست، منسجم و هدف‌مند می‌یابد.

بهره‌گیری از همه دستاوردهای گذشتگان، از نقاط مثبت کار ابن اثیر در تدوین **النهايه** است؛ به طوری که این کتاب در شرح حدیث، یک کتاب قوی شرح حدیثی، و در غریب الحدیث، نیز سرآمد همه کتب غریب الحدیث است. و در زمینه لغت نیز کتابی است هم‌سنگ دیگر کتب لغت، به نحوی که بسیاری از محققان از این کتاب بیشتر به عنوان یک کتاب مرجع لغوی بهره می‌گیرند. با وجود کتاب‌های متعددی هم‌چون *الفائق* زمخشری (م ۵۳۸ ق) در زمینه غریب الحدیث، عنایت ویژه علمای پس او به *النهايه*، گویای امتیازات خاص این کتاب است که در ادامه به بررسی آن خواهیم پرداخت.

۲-۲- جامع الأصول فی احادیث الرسول □

این کتاب نیز یکی دیگر از آثار مهم ابن اثیر به شمار می‌رود. وی در این کتاب، ضمن جمع روایات **صحیح بخاری**، **صحیح مسلم**، **موطأ** ابن مالک، سنن ابی داوود، سنن نسایی و ترمذی، با مرتب کردن احادیث بر اساس حروف الفبا، به شرح غرائب احادیث آن‌ها پرداخته است و در برخی موارد به مباحث فقه الحدیثی، رجالی و دیگر مباحث مرتبط با احادیث نیز اشاره کرده است (همان‌جا).

ابن اثیر خود این کتاب را تهذیب کتاب *التجريد فی الجمع بين الموطأ و الصحاح الخمس*، اثر ابو الحسن رزیم بن معاویه عبدری سرقسطی (م ۵۳۵ ق) می‌داند که سعی کرده است ضمن تکمیل نواقص آن کتاب، هر چه بیشتر بر فوائد آن بیفزاید (جامع الاصول فی احادیث الرسول، مقدمه مؤلف، ص ۲۰؛ این کتاب بسیار مورد توجه قرار گرفته است به طوری که بارها چاپ شده است و شروح و تلخیص‌های مختلفی برای آن نوشته شده است).

برو کلمان، هفت کتابی را که در باره *جامع الأصول* نوشته شده نام برده است که از آن میان می‌توان به *تجريد الأصول فی احادیث الرسول*، نوشته هبة الله ابن عبد الرحيم حموی بارزی (م ۷۳۸ ق)، و *تيسير الوصول الى جامع الأصول*، اثر عبد الرحمن بن ربيع شیبانی یمنی (م ۹۴۴ ق) اشاره کرد (*تاريخ الأدب العربي*، ج ۱، ص ۱۹۳).

یاقوت نیز در باره این کتاب می‌گوید: «أقطع قطعاً أنه لم يصنف مثله قطاً و لا يصنف» (معجم الأدباء، ج ۱۷، ص ۷۲).

۲-۳. المرصع فی الآباء و الامهات و الأبناء و البنات و الأذواء و الذوات

این کتاب، نوعی معجم است. یاقوت و سیوطی، نام این کتاب را ذکر کرده‌اند. **المرصع**، اولین بار در سال ۱۸۹۶ میلادی در آلمان، و آخرین بار در سال ۱۳۹۱ ق در بغداد با تحقیق ابراهیم السامرایی، چاپ شده است (*منال الطالب فی شرح طووال الغرائب*، مقدمه محقق، ص ۲۳).

۲-۴. الشافی شرح مسند الشافی

نام دیگر این کتاب، **شافی العی بشرح مسند الشافی** است. ابن اثیر در این کتاب، به بیان و شرح احادیث مسند شافی پرداخته است و ضمن بیان لغات و طرح مباحث ادبی مرتبط با احادیث، یک پژوهش قوی فقه الحدیثی ارائه کرده است (معجم/الأدباء، ج ۱۷، ص ۷۲). این کتاب نیز بارها به چاپ رسیده است.

۲-۵. تجرید أسماء الصحابه

این کتاب، تنها توسط زرکلی ذکر شده است. محقق کتاب **منال الطالب** می‌گوید: «معروف آن است که این عنوان مربوط به کتابی است که برای حافظ ذهبی (م ۷۴۸ ق) بوده است و نه برای ابن اثیر» (الطالب فی شرح طوال الغرائب، مقدمه محقق، ص ۲۰).

۲-۶. منال الطالب فی شرح طوال الغرائب

این کتاب نیز یکی از مهم‌ترین کتاب‌های ابن اثیر است. ابن اثیر در این کتاب نیز همچون کتاب **النهايه** به شرح احادیث پرداخته است با این تفاوت که وی در این کتاب احادیث طولانی را جدا کرده و آن‌ها را شرح نموده است. ابن اثیر در این کتاب، واژه‌ها را رها کرده است و به شرح کامل روایات پرداخته است و در واقع، این کتاب، شرح حدیث است، نه غریب الحدیث. این کتاب نیز بارها به چاپ رسیده است.

۲-۷. الانصاف فی الجمع بین الكشف و الکشاف

کتاب **الکشف** از ثعلبی نیشابوری (م ۴۲۷ ق)، و کتاب **الکشاف** نوشته جبار الله زمخشری است. ابن اثیر با استفاده از این دو کتاب تفسیری، کتاب **الانصاف** را در تفسیر نوشته است. یاقوت می‌گوید: «این کتاب، در چهار جلد بوده است. اما هیچ نسخه‌ای از آن به دست ما نرسیده است» (معجم/الأدباء، ج ۱۷، ص ۷۳).

۲-۸. الباهر فی الفروق

یاقوت و سیوطی، نام این کتاب را ذکر کرده‌اند اما توضیحی در مورد آن نداده‌اند و نسخه‌ای نیز از آن در دست ما نیست (بغیة الوعاة، ج ۲، ص ۲۷۵؛ معجم/الأدباء، ج ۱۷، ص ۷۳). آن چه مسلم است، این کتاب یک کتاب نحوی بوده است. از این رو، یاقوت آن را با نام **الباهر فی الفروق فی النحو** ذکر کرده است (معجم/الأدباء، ج ۱۷، ص ۷۳).

۲-۹. البديع في النحو

ياقوت، قفطی و سیوطی، نام این کتاب را ذکر کرده‌اند ولی در مورد آن توضیحی نداده‌اند (بغیة الوعاة، ج ۲، ص ۲۷۴؛ معجم الأدباء، ج ۱۷، ص ۷۳؛ إنباه الرواة على أنباه النخاه، ج ۳، ص ۲۵۸). اما از نام آن مشخص است که این کتاب، در موضوع نحو نوشته شده است.

محقق کتاب **منال الطالب** می‌گوید: «شیخ عبد الرحمن العثیمین، استادیار دانشکده اصول دین در مکه، به من گفته است که یک نسخه خطی از این کتاب را در یکی از کتابخانه‌های استانبول ترکیه دیده است» (*منال الطالب فی شرح طوال الغرائب، مقدمه محقق*). در هر صورت هیچ نسخه‌ای از این کتاب در اختیار ما نیست.

۲-۱۰. تهذيب فصول ابن الدهان

ياقوت و سیوطی، نام این کتاب را ذکر کرده‌اند (بغیة الوعاة، ج ۲، ص ۲۷۵؛ معجم الأدباء، ج ۱۷، ص ۷۴). این کتاب، شرحی است بر **الفصول فی القوافی**، اثر ابو محمد سعید بن مبارک بن دهان بغدادی (م ۵۶۹ ق) که خود نیز یک کتاب نحوی است.

۲-۱۱. رسائل في الحساب مجدولات

ياقوت نام این کتاب را آورده است (*الأدباء*، ج ۱۷، ص ۷۴). ظاهراً این کتاب در موضوع ریاضیات نوشته شده، آن هم مطالبی که به صورت جدولی محاسبه می‌شده است.

۲-۱۲. المختار في مناقب الأخيار

همان گونه که از نامش پیداست، شرح حال اخیار یا نیکان است؛ کسانی که به حسب عقیده مؤلف از نیکان روزگار بوده‌اند. بنابر این، در مقابل کتابی قرار داریم که همانند کتاب **حلیة الاولیاء** ابونعیم اصفهانی و **صفة الصفة** ابن جوزی، در شرح حال افرادی که منتسب به اولیاء الهی، تصوف و عرفان هستند نوشته شده است. وی در این کتاب از آثار پیشینیان، از جمله همین **حلیة الاولیاء** استفاده برده است.

ياقوت می‌گوید: «این کتاب، در چهار جلد بوده است» (همان‌جا). محقق کتاب **منال الطالب** قائل است که چند نسخه از آن در استانبول و قاهره موجود است اما هنوز هیچ نسخه چاپی از آن در دست نیست (*منال الطالب فی شرح طوال الغرائب، مقدمه محقق*). این کتاب در سال ۲۰۰۳ توسط مرکز زاید للتراث و التاريخ کشور امارات با تصحیح مأمون الصاغرچی، عدنا عبد ربّه و محمد اديب الجادر چاپ شده است.

آن چه ذکر شد دوازده کتاب است که می‌توان به قطعیت انتساب آن‌ها به ابن اثیر معتقد بود. برخی از آن کتب تنها از طرف یک نفر هم‌چون یاقوت عنوان شده است، اما معاصر بودن وی با ابن اثیر، بر اطمینان به انتساب این کتاب‌ها به ابن اثیر می‌افزاید. محقق کتاب **منال الطالب** نام چهار کتاب دیگر را نیز به دوازده کتاب ذکر شده افزوده است: **دیوان رسائل، الفروق و الأبنیه، الجواهر و اللال من انشاء المولی الجلال، صناعة الکتاب** (همان، ص ۲۱ و ۲۲).

البته کتاب **صناعة الکتاب**، در کتاب ابن خلکان، با نام **لطیف فی صنعة الکتابه** آمده است (وفیات الأعیان، ج ۴، ص ۱۴۳). که ظاهراً همین کتاب مورد نظر است.

۳. جایگاه ابن اثیر در غریب‌نگاری

بهترین راه برای بررسی این مهم، به دست آوردن توان علمی وی در غریب‌الحدیث و دانش‌های مرتبط با آن علم و سپس اعتماد صاحب نظران پس از او به کتاب **النهایه** که این دو، جایگاه واقعی ابن اثیر و کتاب **النهایه** را نشان می‌دهد. دانش غریب‌الحدیث بر دو پایه اصلی و اساسی استوار است: یکی، تسلط بر زبان عربی، شامل لغت، نحو، صرف و بلاغت، و دیگری، حدیث‌شناسی شامل همه علوم مرتبط با احادیث. حال به بررسی توانایی‌های ابن اثیر در این دو پایه می‌پردازیم.

۱-۳. ابن اثیر و زبان عربی

یاقوت که معاصر ابن اثیر است، او را عالم در علم عربی، نحو و لغت می‌داند (معجم الأدباء، ج ۱۷، ص ۷۱). برادرش عز‌الدین نیز او را عالمی آگاه به علوم مختلف از جمله زبان و لغت عربی و نحو می‌داند (الکامل فی التاریخ، ج ۱، ص ۳۳۳). سیوطی در کتاب **بغیة الوعاة فی طبقات اللغویین و النحاة**، بیش از ۲۲۰۰ ادیب و لغوی در زبان عربی را معرفی نموده است؛ یکی از آن افراد ابن اثیر است. در ابتدای معرفی، از او به عنوان یکی از مشهورترین، بزرگ‌ترین و برجسته‌ترین علما و فضلاء یاد کرده است (بغیة الوعاة، ج ۲، ص ۲۷۴).

در این کتاب، سیوطی تصریح کرده است که ابن اثیر، نحو را از ابن دهان (م ۵۹۰ ق) و یحیی بن سعدون القرطبی (م ۵۶۷ ق) فرا گرفته است (همان‌جا). ابن دهان و قرطبی، هر دو از نحوی‌ها دارای کرسی تدریس در موصل بوده‌اند. ابن دهان، یکی از علمای صاحب نام و دارای کتاب در نحو و لغت است. سیوطی در مورد او می‌نویسد: «قال ابن النجار و القفطی: احد الائمة النحاة المشهورین بالفضل و التقدّم و کان متبحراً فی اللغة» (همان، ص ۴۲۸).

با این توضیح می‌توان گفت سیوطی نیز که خود یکی از صاحب نظران در علوم عربی است، او را به عنوان ادیبی لغوی می‌شناسد.

وقتی به آثار ابن اثیر می‌نگریم کتاب‌های نحوی او نیز جلوه می‌کند. کتاب **تهذیب فصول ابن الدهان**، کتابی نحوی و شرحی بر **الفصول فی القوافی** استادش ابن دهان است که سیوطی و یاقوت نام این کتاب را ذکر کرده‌اند.

کتاب **البدیع فی النحو**، دیگر کتاب ابن اثیر نیز مورد تصریح یاقوت، قفطی و سیوطی است (بغیة الوعاة، ج ۲، ص ۲۷۵؛ معجم الأدباء، ج ۱۷، ص ۷۳؛ *إنباه الرواة علی أنباه النخاه*، ج ۳، ص ۲۵۸). کتاب **الباهر فی الفروق فی النحو**، اثر ابن اثیر است که یاقوت و سیوطی آن را ذکر کرده‌اند (همان‌جا).

داشتن چهار کتاب نحوی، خود گویای توجه ابن اثیر به این علم و تبخّر وی در این زمینه است. با آن چه دیدیم می‌توان یقین کرد ابن اثیر در زمینه لغت و ادب عربی، از جایگاه قابل قبولی برخوردار بوده و مورد توجه علمای معاصر و پس از خود بوده است.

۲-۳. ابن اثیر و حدیث‌شناسی

ابن اثیر از جمله افرادی است که به تبخّر و آشنایی در حدیث و علوم آن معروف بوده است؛ چنان که یاقوت او را عالم در حدیث و مباحث رجالی و صحت و سقم احادیث دانسته است (معجم الأدباء، ج ۱۷، ص ۷۱).

و قفطی در بیان مهم‌ترین امتیاز او، کثرت شنیدن حدیث را به عنوان امتیاز مهم او ذکر کرده است (*إنباه الرواة علی أنباه النخاه*، ج ۳، ص ۲۵۷). ابن کثیر نیز در کتاب **البدایة و النهایة**، مهم‌ترین ویژگی ابن اثیر را کثرت استماع حدیث می‌داند (*البدایة و النهایة*، ج ۱۳، ص ۶۶).

آثار بر جای مانده از او نیز گویای همین مطلب است. کتاب *الشافی* که در شرح مسند شافعی نوشته است، یکی از آثار ارزشمند ابن اثیر است. با مرور این کتاب می‌توان تسلط او را بر مباحث فقه الحدیثی، رجالی و دیگر علوم حدیثی مشاهده کرد.

دیگر کتاب وی در زمینه حدیث، **منال الطالب فی شرح طوال الغرائب** است. این کتاب نیز شرح حدیث است و با مرور اجمالی آن، اولین چیزی که به ذهن انسان خطور می‌کند تسلط و حضور ذهن مؤلف در پرداختن به شرح احادیث است. این کتاب نیز دلیل خوبی بر تبخّر ابن اثیر در روایات و شناخت و فهم درست آن است.

کتاب **النهایة** نیز با توجه به ویژگی‌های منحصر به فردش، پشتوانه قوی حدیثی و مقبولیتی که دارد، محکم‌ترین دلیل بر این ادعاست. ابن اثیر در مقدمه آن، به تتبع کامل کتب حدیثی اشاره کرده است. (*النهایة فی غریب الحدیث و الاثر، مقدمه مؤلف*).

۳-۳. نتیجه

شرح حال ابن اثیر حاکی از این است که وی در علوم قرآن، فقه (معجم الأدباء، ج ۱۷، ص ۷۱)، اصول فقه و حساب (الکامل فی التاریخ، ج ۱، ص ۳۳۳) مبرز بوده است. با بررسی کتاب‌های او، علاوه بر تأیید این مطلب می‌توان تخصص او را در زمینه تفسیر قرآن نیز به صورت ویژه مطرح کرد. کتاب **الانصاف فی الجمع بین الکشف و الکشاف** گویای توجه وی به مقوله تفسیر آیات قرآن کریم در کنار احادیث مأثوره است. و پر روشن است که فقه، اصول فقه و تفسیر، ارتباط تنگاتنگی با شرح حدیث دارند. این نکته نیز قابل ذکر است که علاوه بر وجود نقاط مشترک فراوان در پایه‌های این علوم با دانش غریب الحدیث، بسیاری از معماهای ناگشودنی در غریب الحدیث، به راحتی توسط علوم گفته شده قابل حل هستند.

۴. میزان اعتماد صاحب نظران پس از او به کتاب «النهایه»

با بررسی کتب نوشته شده پس از ابن اثیر، می‌توان به میزان اعتماد صاحب نظران پس از او به کتاب و نظرات ابن اثیر پی برد. در نگاه نخست، کتب غریب الحدیث و شرح الحدیث که پس از ابن اثیر نوشته شده است، بهترین و روشن‌ترین موارد برای بررسی این موضوع هستند. اما باید گفت، قوت کار ابن اثیر فراتر از این است؛ زیرا در موضوعات دیگری هم‌چون فقه، اصول، تفسیر و لغت نیز جای پای محکمی از **النهایه** در بسیاری از کتب مرتبط با این موضوعات دیده می‌شود.

حال به تعدادی از کتاب‌های معتبر مرتبط با موضوعات لغت، حدیث، تفسیر و فقه مراجعه و میزان توجه آنان را نسبت به نظرات ابن اثیر در **النهایه** بررسی می‌کنیم. در این جا، ذکر این نکته لازم است. یکی این که جهت اختصار در متن، به ذکر هفت مورد بسنده کرده‌ایم و دیگر این که فقط نظرات ابن اثیر در کتاب **النهایه** مد نظر است.

۴-۱. کتاب‌های لغت

پر روشن است استفاده کتب لغت از **النهایه**، گویای اعتبار بالای آن است و استناد لغویان به این کتاب، نشان از اعتبار لغوی آن است.

به لحاظ تاریخی، پس از **النهایه** ابن اثیر، معاجم ذیل به رشته تحریر در آمدند:

مختار الصحاح، لسان العرب، قاموس المحيط، مصباح المنیر، و تاج العروس.

عبد القادر رازی (م ۶۹۱ ق) با توجه به این که مبنای کتابش (مختار الصحاح) را خلاصه الصحاح جوهری قرار داده است، طبیعی است که هیچ ذکر نامی از ابن اثیر نداشته باشد؛ زیرا الصحاح جوهری یکی از منابع ابن اثیر در **النهایه** بوده است.

پس از او، ابن منظور (م ۷۱۱ ق)، **لسان العرب** را به رشتهٔ تحریر در آورده است. او در **لسان العرب** بسیار از **النهایه** ابن اثیر نام برده و از نظرات وی بهره‌مند گشته است.

در مقدمه **لسان العرب** نیز توجه ویژه‌ای به **النهایه** شده است و از آن به عنوان یکی از منابع اصلی نام برده شده است. ابن منظور پس از بر شمردن معاجم ازهری، **المحکم** ابن سیده و **الصحاح** جوهری، تأکید می‌کند که برای کاربردی کردن شروح کلمات، کتاب **النهایه** ابن اثیر از جهت استفاده از آیات قرآن، احادیث، امثال عرب و اشعار، بهترین کتاب است و من از آن استفاده کردم (*لسان العرب*، مقدمه مؤلف). حداقل ۱۳۰۰ مورد استفاده از نظریات ابن اثیر در این کتاب دیده می‌شود و این نشانهٔ توجه بسیار ابن منظور به کتاب **النهایه** است. نشانی چند نمونه از استنادات ابن منظور به **النهایه**، از این قرار است: ج ۱، ص ۳۰، ۵۰، ۶۴، ۷۲، ۷۵، ۷۹، ۸۴، ۱۱۷.

فیومی (م ۷۷۰ ق) در **مصباح المنیر** نیز در موارد متعددی، از ابن اثیر و نظراتش در **النهایه** نام برده است. او مبنایی شبیه فیروزآبادی داشته و بر جمع نظرات لغویان اصرار نداشته است و کتاب را توضیح کلمات غریب برای **شرح الوجیر** رافعی معرفی کرده است (*مصباح المنیر*، مقدمه مؤلف)؛ لذا لغات موجود در آن محدود است. با این حال، می‌توان نظرات ابن اثیر را در این کتاب مشاهده کرد. در شش موضع در **مصباح المنیر** می‌توان استناد به **النهایه** ابن اثیر را یافت؛ ذیل مواد: ثور، درع، طهر، نخع، نمر، و وکی.

فیروزآبادی (م ۸۱۷ ق) با توجه به این که هدفش تلخیص بوده و نه نقل (خود در این مورد می‌گوید: «در روزگاری به دنبال کتاب جامع و ساده‌ای بودم که الفاظ فصیح و غیر فصیح را جمع کرده باشد؛ چون آن را نیافتم شروع به نوشتن کتاب «اللامع المعلم العجائب الجامع بین المحکم و العباب» کردم... و علاوه بر مطالب این دو کتاب زیادات فراوانی هم برآن افزودم لکن حجم کتاب به اندازه‌ای شد که طلاب علم زبان از تحصیل آن عاجز ماندند و از من درخواست کردند تا کتابی بنویسم که بین ایجاز و اتصال جمع کند و در همین راستا من این کتاب - قاموس - را بدون ذکر شواهد و زوائد و با بیان موارد فصیح و غیر فصیح تألیف نمودم و دریایی را در مشکی گنجاندم) در کتاب **قاموس المحيط** کمتر از ابن اثیر نام برده است و با توجه به حجم کم کتاب، این مسئله کاملاً طبیعی می‌نماید.

و بالاخره زبیدی (م ۱۲۰۵ ق) بیشترین بهره را از نظرات **النهایه** برده است و شاید بتوان گفت در اکثر صفحات **تاج العروس** که حجیم‌ترین معجم لغوی عرب است، نام و نظرات ابن اثیر مشاهده می‌شود.

زبیدی از **النهایه** ابن اثیر به عنوان یکی از منابع لغوی خود نام برده است (*تاج العروس*، مقدمه مؤلف). این مسئله، گویای توجه وی به عنوان یک لغوی نام‌دار به کتاب **النهایه** است.

از طرف دیگر، در بررسی انجام شده بیش از ۱۵۰۰ بار نام ابن اثیر و نظراتش، در این کتاب مشاهده می‌شود که این نیز گویای اعتماد زبیدی به نظرات ابن اثیر است (در این جا برای روشن شدن مطلب ذیل حرف همزه تعدادی از مواد را بررسی کردیم و نظرات ابن اثیر را ذیل این مواد یافتیم: بدأ، ثرطأ، جرأ، جأ، جنأ، حكأ، خذأ، خلاأ، درأ، دربأ، ذبأ، رشأ، سبأ، سلطأ، شرأ، شنبأ، شوأ، فسأ، قرأ، كفسأ، كلالأ، لفأ، مرأ، ملأ، نبأ، ندأ، نزأ، نشأ، نكأ، نمأ، وبأ، وطأ، ومأ، هرأ).

آن چه تا کنون مشاهده کردیم توجّه بالای لغویان پس از ابن اثیر به کتاب **النهايه** بود.

۲-۴. کتاب‌های غریب

یکی از مهم‌ترین کتب غریب پس از **النهايه**، کتاب **مجمع البحرين** طریحی (م ۱۰۸۵ ق) است. **مجمع البحرين** که یکی از مهم‌ترین کتاب‌های غریب قرآنی و حدیثی پس از **النهايه** به شمار می‌رود، امروزه در کنار **مفردات** راغب به عنوان یک معجم کاربردی لغت، مورد استفاده فراوان اهل علم قرار می‌گیرد.

به تصریح طریحی، کتاب **النهايه** ابن اثیر یکی از منابع وی در شرح کلمات غریب قرآن و احادیث بوده که توجّه غریب‌نگاران پس از ابن اثیر را به نظرات وی نشان می‌دهد (مجمع البحرين و مطلع النیرین، مقدمه مؤلف). در این کتاب، بیش از ده بار به نظرات ابن اثیر در **النهايه** تصریح شده است (همان، ج ۱، ص ۱۰، ۱۳۳، ۳۴۸، ج ۲، ص ۲۴۴، ۲۷۶، ج ۳، ص ۲۵۲، ۳۰۴، ۳۸۱، ۳۸۱، ج ۴، ص ۳۶۹). در کتاب **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم** نیز که یکی از کتاب‌های تحقیقی و واژه‌شناسی شیعه به شمار می‌رود، توجّه بالایی نسبت به نظرات ابن اثیر مشاهده می‌شود؛ توجّه‌ی که نشانه توجّه غریب‌نگاران شیعه به کتاب **النهايه** است.

آقای مصطفوی با نوشتن این کتاب در قرن پانزدهم، کار قوی و محکمی در معرفی کلمات قرآنی انجام داده است که امروزه نیز بسیار مورد استفاده محققان قرار دارد (**التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، ج ۳، ص ۲۵۲، ج ۴، ص ۷۴، ج ۹، ص ۱۵۲، ج ۱۰، ص ۱۱، ۱۷۸، ج ۱۱، ص ۲۰، ج ۱۳، ص ۲۹).

۳-۴. کتاب‌های حدیثی

کتاب‌های حدیثی، بر اساس فروعات علوم حدیث به دسته‌های مختلف تقسیم می‌شوند. از میان علوم حدیث و کتب مربوط به آن، کتب شرح حدیث بیشترین استفاده را از کتاب‌های غریب الحدیث نموده‌اند؛ کتاب‌هایی که علاوه بر جمع آوری احادیث به فقه الحدیث آنها نیز توجّه داشته‌اند و امروزه مورد استفاده همگان قرار می‌گیرند.

بحار الأنوار علامه مجلسی (م ۱۱۱۱ ق) و **الوافی فیض کاشانی** (م ۱۰۹۱ ق)، از مهم‌ترین کتاب‌های شیعه در این زمینه هستند که پس از ابن اثیر نوشته شده‌اند. هم‌چنین **فتح الباری**

ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ ق) نیز یکی از مهم‌ترین کتب اهل سنت در این زمینه است که در آن احادیث بخاری توسط ابن حجر شرح شده است و به عنوان یکی از شرح‌الحدیث‌های مهم نزد اهل سنت به شمار می‌رود.

ما با انتخاب این سه کتاب، میزان توجه آنان به نظرات ابن اثیر را بررسی می‌نماییم. در کلام اکثر بزرگان، شرح‌های دقیق علامه مجلسی بر روایات بحار، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های کتاب او شمرده است. یکی از نیازمندی‌های علامه در شرح احادیث، منابع لغوی و شرح‌الحدیثی بوده است. علامه مجلسی در فصل اول از مقدمه بحار الانوار، به معرفی مصادر کتاب پرداخته و نام ۳۷۸ کتاب را آورده که حدوداً ۸۵ کتاب آن از اهل سنت است. در این میان، نام بیست کتاب لغت و سیزده کتاب از کتب شرح احادیث آنها را ذکر کرده است که **النهایه** ابن اثیر نیز از آن جمله است. شاید بتوان گفت علامه با انتخاب **النهایه** به عنوان یکی از منابع اصلی خود، از آن به هر دو منظور استفاده کرده است.

با بررسی حدود یک سوم مجلدات بحار (۳۵ جلد) بیش از هشتاد مورد استناد به نظرات ابن اثیر مشاهده می‌شود که گویای توجه این محدث زبردست به اهمیت کتاب **النهایه** است. به تعداد محدودی از مواردی که علامه به نام ابن اثیر و نظراتش تصریح کرده است، اشاره می‌شود: ج ۳۲، ص ۶۵، ۸۳، ۹۱، ۹۵، ۱۵۷، ۱۶۰، ۱۹۹، ۲۸۰، ۳۸۳، ۳۹۶، ۴۴۴، ۴۹۳، ۵۲۳، ۵۵۷، ۵۵۷.

کتاب **الوافی** نیز یکی از مهم‌ترین کتاب‌های جامع حدیث شیعه به شمار می‌رود. مرحوم فیض کاشانی نیز در این کتاب، بیش از صد بار به نظرات ابن اثیر در **النهایه** تکیه و به آن تصریح کرده است (**الوافی**، ج ۱، ص ۱۸۳، ۴۴۲، ۴۸۰، ۴۸۹، ج ۲، ص ۸۵، ۳۳۴).

کتاب **فتح الباری فی شرح صحیح البخاری**، اثر ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ ق) یکی از مهم‌ترین کتاب‌های اهل سنت در زمینه شرح احادیث است. ابن حجر نیز یکی از نام‌آورترین و پرکارترین اندیش‌مندان در میان اهل سنت است و در اکثر علوم اسلامی متخصص بوده است. او با بیش از ۲۷۰ اثر علمی، یکی از دقیق‌ترین شرح‌های **صحیح بخاری** را نوشته است. این کتاب که در پانزده جلد تدوین شده است نیز از نظرات ابن اثیر در **النهایه** بسیار بهره برده است و بیش از نود بار با عناوین مختلف نظرات ابن اثیر را نقل کرده است (**فتح الباری فی شرح صحیح البخاری**، ج ۱، ص ۱۸۷، ۳۴۸، ۳۹۴، ۴۰۵، ج ۲، ص ۸، ۵۷، ج ۳، ص ۱۲۲، ج ۸، ص ۴۸۰).

۴-۴. کتاب‌های فقهی

فقه‌دانشی است که بسیاری از علوم اسلامی دیگر نقش مقدماتی و پایه برای آن ایفا می‌کنند. از این رو، صاحب نظران این علم به تناوب از دیگر علوم بهره کافی می‌برند. دانش غریب الحدیث نیز یکی از موارد مورد استفاده ایشان است.

۴-۱. کتاب‌های فقهی شیعه

استناد کتب فقهی شیعه به نظرات ابن اثیر در **النهایه**، حاکی از جایگاه ویژه این کتاب در میان فقهای شیعه است. میزان ارجاعات به **النهایه** در این کتب به حدی زیاد است که هیچ شک و شبهه‌ای نسبت به جایگاه علمی ابن اثیر نزد ایشان باقی نمی‌گذارد.

محقق ثانی (م ۹۴۰ ق) در کتاب **جامع المقاصد فی شرح القواعد**، بارها از نظرات ابن اثیر در **النهایه** بهره برده است. این کتاب که شرح **قواعد الاحکام** علامه حلی (م ۷۲۶ ق) است، یکی از معتبرترین کتب فقهی امامیه به شمار می‌رود.

در این کتاب نیز حداقل پانزده مرتبه استناد مستقیم به نظرات شرح حدیثی ابن اثیر در **النهایه** انجام شده است (مانند ج ۱، ص ۱۳۴، ۲۸۵، ج ۴، ص ۳۱، ۳۲۳، ج ۵، ص ۴۵۰، ج ۶، ص ۳۴۳).

شهید ثانی (م ۹۶۶ ق) نیز در کتاب **الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة** که بهترین شرح برای کتاب **لمعة شهید اول** به شمار می‌رود، از نظرات ابن اثیر به کرات استفاده کرده است (**الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة**، ج ۵، ص ۱۰۷، ۴۵۲، ج ۷، ص ۱۱۹، ج ۲، ص ۶۸، ۶۹، ۱۳۹، ص ۲۵۰).

یکی دیگر از کتاب‌های فقهی شهید ثانی، **مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام** است. این کتاب نیز یکی از مهم‌ترین شروح کتاب **شرائع محقق حلی** به شمار می‌رود. شهید ثانی در این کتاب نیز به کرات از نظرات ابن اثیر بهره برده است، البته به صورت صریح بیش از سیزده بار از نظرات ابن اثیر در **النهایه** نام برده است (**مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام**، ج ۵، ص ۱۳۱، ج ۶، ص ۷۴، ۷۸، ۲۹۱، ج ۸، ص ۱۱۴، ج ۱۰، ص ۲۷۴، ج ۱۱، ص ۲۹۷).

در کتاب **معالم الدین**، نوشته مرحوم عاملی، معروف به «صاحب معالم» (م ۱۰۱۱ ق) نیز استفاده‌های فراوانی از **النهایه** ابن اثیر شده است، البته به صورت تصریح شده تنها به نه مورد می‌توان خبر داد (معالم الدین و ملاذ المجتهدین، ج ۱، ص ۱۲۳، ج ۲، ص ۵۲۸، ۸۳۱، ۸۷۱، ۹۰۱، ۹۱۴، ۹۲۲).

علامه سید محمد جواد بن محمد حسینی عاملی (م ۱۲۲۶ هـ. ق) در کتاب **مفتاح الکرامه**، شرح مبسوطی بر **قواعد الاحکام** علامه حلی (م ۷۲۶ ق) داشته است. در این شرح نیز بیش از ۴۳ مرتبه به نظرات ابن اثیر در **النهایه** تصریح شده است (**مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه**، ج ۲، ص ۳، ۸۵، ۹۲، ۱۸۹، ۲۱۱، ۲۴۹، ۳۶۸).

محمد حسن بن باقر نجفی، معروف به صاحب **جواهر** (م ۱۲۶۶ ق) نیز از جمله کسانی است که در کتاب معروف و معتبر **جواهر** از نکات و نظرات ابن اثیر بهره‌مند گشته است. وی در این کتاب که شرح **شرائع الاسلام** است بیش از شصت مرتبه به نظرات ابن اثیر تصریح کرده است (**جواهر الکلام**، ج ۱، ص ۴۱۱، ج ۸، ص ۳۷۲، ۴۱۲، ج ۹، ص ۳۵۹، ۳۷۸، ۳۹۲).

۴-۲. کتاب‌های فقهی اهل سنت

در میان کتب فقه اهل سنت نیز نظرات ابن اثیر در **النهایه** بسیار یافت می‌شود. استناد به نظرات لغوی و بیان موارد شرح حدیثی ابن اثیر، در کتب فقهی مذاهب چهارگانه اهل سنت فراوان است. به نمونه‌هایی توجه نمایید:

کتاب **المجموع فی شرح المهدب**، اثر محی الدین نووی (م ۶۷۶ ق) است. مؤلف شافعی مذهب آن در این کتاب فتاوی خود را جمع آوری کرده است. مؤلف کتاب، بیش از ده‌ها بار از نظرات ابن اثیر در **النهایه** بهره برده است (نمونه‌هایی از آن چنین است: ج ۵، ص ۳۹۹، ج ۱۰، ص ۳۸۹، ج ۱۳، ص ۱۹، ج ۱۴، ص ۱۹۹، ج ۱۵، ص ۱۵۵، ۲۴۵، ج ۱۶، ص ۳۹۳).

کتاب **تبيين الحقائق شرح كنز الدقائق**، اثر فخر الدین عثمان بن علی الزیلعی (م ۷۴۳ ق) است. وی که حنفی مذهب بوده تمامی فتاوی مربوط به مذهب خود را به صورت استدلالی در این کتاب، بیش از ۴۵ مرتبه از نظرات ابن اثیر در **النهایه** به صورت مشخص استفاده نموده است (تبيين الحقائق شرح كنز الدقائق، ج ۲، ص ۷۹، ج ۳، ص ۳۳۹، ۳۰۳، ۳۵۶، ج ۴، ص ۲۶۹، ۲۸۱، ص ۳۹۵).

کتاب **مواهب الجلیل فی شرح مختصر الشیخ خلیل**، اثر شمس الدین ابو عبد الله محمد بن محمد بن عبد الرحمن طرابلسی مغربی، معروف به خطاب رعینی (م ۹۵۴ ق) است. در این کتاب، فتاوی فقه مالکی آمده است، و بارها از نظرات ابن اثیر در **النهایه** استفاده شده است (مواهب الجلیل فی شرح مختصر خلیل، ج ۳، ص ۱۸۳، ۳۸۳، ج ۴، ص ۱۸۵، ۱۸۶، ج ۵، ص ۵۵، ج ۸، ص ۱۲۷، ۲۸۲).

کتاب **کشاف القناع عن متن الاقناع**، اثر منصور بن یونس بن ادیس بهوتی (م ۱۰۵۱ ق) است. وی که حنبلی مذهب بوده است، به جمع‌آوری مسائل فقهی زیادی همّت گمارده و سعی کرده ادله فتاوی خود را در کتاب بیان کند. امروزه قضات برخی کشورهای اسلامی به فتاوی فقهی آن استناد می‌کنند.

مؤلف این کتاب نیز در قسمت‌های مختلف کتاب از نظرات شرح حدیثی و لغوی ابن اثیر در **النهایه** استفاده کرده و در مواردی هم به نام و کتاب ابن اثیر تصریح نموده است (کشاف القناع عن متن الاقناع، ج ۱، ص ۵۵، ج ۲، ص ۱۲۸، ۳۴۵، ج ۶، ص ۱۰۰، ج ۹، ص ۴۴۷، ج ۱۷، ص ۵۹، ج ۲۲، ص ۳۶۸).

کتاب **رد المحتار یا علی مدد الدر المختار**، اثر ابن عابدین (م ۱۲۵۲ ق) است. وی که حنفی مذهب بوده است این کتاب را به عنوان حاشیه‌ای بر شرح **تنویر الابصار** نوشته است. در این کتاب، مباحث فقه الحدیثی فراوانی آورده شده و نام ابن اثیر و نظراتش در **النهایه** نیز در آن میان می‌درخشد. در این کتاب، بیش از بیست بار به نام ابن اثیر و کتاب **النهایه** تصریح شده است (رد المحتار علی شرح المختار، ج ۱، ص ۱۳، ۲۷۲، ۳۷۲، ۳۸۰، ۴۱۶، ج ۲، ص ۱۹۶، ۲۲۱).

۴-۵. کتاب‌های تفسیر

عموم کتاب‌های تفسیری که پس از ابن اثیر نوشته شده است، از نظرات وی استفاده کرده‌اند. به عنوان نمونه نتیجه بررسی چند کتاب تفسیری را ارائه می‌نماییم.

۴-۵-۱. کتاب‌های تفسیر امامیه

کتاب تفسیری **الصراط المستقیم**، از سید حسین بروجردی، نیز یکی دیگر از کتب تفسیری شیعه با گرایش کلام است که تا آیه ۲۵۵ سوره بقره را تفسیر کرده است. این کتاب که در قرن سیزدهم هجری قمری نوشته شده است با حجم نسبتاً کم خود بیش از ۲۲ بار به نام ابن اثیر و کتاب **النهایه** تصریح کرده است (*الصراط المستقیم*، ج ۱، ص ۱۸، ج ۲، ص ۲۸۶، ۲۹۰، ۳۸۶، ۳۹۰، ۴۹۴، ۵۲۲، ج ۴، ص ۸).

تفسیر المیزان نیز یکی از مهم‌ترین تفاسیر شیعه است. این کتاب از جمله کتبی است که از نظرات ابن اثیر بهره برده است ولی با این حال نام ابن اثیر و کتاب **النهایه** را کمتر آورده است (مرحوم علامه در سه جا به نام **النهایه** تصریح نموده است: ج ۱۸، ص ۱۸۱، ج ۵، ص ۲۰۴، ج ۱۹، ص ۷۸). شاید بتوان گفت استناد علامه در چند جای کتاب به نظرات ابن اثیر گویای اعتمادی وی به کتاب **النهایه** است، اما رویکرد اعتقادی ابن اثیر که در جای جای کتاب مشاهده می‌شود، یکی از عوامل استناد کمتر علامه به این کتاب باشد. و الله اعلم!

کتاب تفسیر مرحوم سید مصطفی خمینی با این که ناقص ماند و تنها به تفسیر سوره حمد و ۲۵ آیه از قرآن اختصاص دارد. اما ظرافت‌های علمی او بویژه در حیطة زبان عربی، ادبیات و لغت تحسین بر انگیز است. او نیز در کتابش بارها از نظرات ابن اثیر در **النهایه** استفاده کرده است (*تفسیر القرآن الکریم*، ج ۲، ص ۳۴۷، ۳۴۸، ج ۳، ص ۲۹۴، ج ۳، ص ۳۰۳، ج ۵، ص ۸).

۴-۵-۲. کتاب‌های تفسیری اهل سنت

تفسیر **روح البیان**، اثر اسماعیل حقی بروسوی (م ۱۱۲۷ ق) است که در قرن دوازدهم هجری نوشته شده است. این کتاب که با رویکردی عرفانی نوشته شده در موارد متعددی از نظرات ابن اثیر استفاده کرده است (*روح البیان*، ج ۱، ص ۱۴۶، ج ۴، ص ۴۵۱، ج ۹، ص ۵۲۳).

تفسیر **روح المعانی** آلوسی (م ۱۲۷۰ ق) نیز که در قرن سیزدهم نوشته شده است، از دیگر کتب تفسیری اهل سنت است که در آن بیش از سی بار نام ابن اثیر و نظرات وی در **النهایه** آمده است (*روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، ج ۴، ص ۳۵۰، ج ۵، ص ۷۷، ۸۲، ۱۴۹، ۲۷۶، ج ۱۱، ص ۱۹۰، ۳۴۵).

کتاب تفسیری **محاسن التأویل** محمّد جمال الدین قاسمی (م ۱۳۳۳ ق) نیز از دیگر کتبی است که در قرن چهاردهم هجری نوشته شده و در آن بیش از بیست بار به نظرات ابن اثیر در

النهاییه تصریح شده است (محاسن التأویل، ج ۳، ص ۴۵، ۹۳، ج ۴، ص ۲۰، ۲۸، ج ۵، ص ۵۹، ۳۷۹، ج ۷، ص ۱۷۳).

با توجه به آن چه گفته شد، میزان توجه صاحب نظران پس از ابن اثیر به کتاب *النهاییه* روشن می‌شود. بررسی کاربردی معانی کلمات در *النهاییه* و ارائه نظرات قوی با استفاده از قوی‌ترین نظرات لغوی، باعث شده نظرات وی در دو قسمت شرح حدیث و شرح کلمه مورد تأیید و اعتماد اکثر محققان قرار گیرد. چنان چه اکثر نخبگان در موضوعات مختلف علوم اسلامی، در هر دو قسمت شرح حدیث و کلمه، نظرات ابن اثیر را بر خیلی دیگر از نظرات ترجیح می‌دهند. لذا می‌توان گفت نظرات ابن اثیر در *النهاییه* مورد توجه و اعتماد عموم علما و صاحب نظران پس از وی بوده است و هیچ شک و شبهه‌ای در این زمینه نمی‌توان داشت.

در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که ابن اثیر یکی از زبردست‌ترین غریب‌نگاران حدیث است که با نگاشتن *النهاییه فی غریب الحدیث و الأثر*، یکی از جامع‌ترین، قابل استفاده‌ترین و غنی‌ترین کتاب‌های غریب الحدیث را به جامعه علمی مسلمانان اعم از شیعه و سنی ارائه کرده است. توانایی‌های فردی ابن اثیر، تسلط او بر علوم مرتبط با غریب الحدیث هم‌چون لغت و حدیث، و هم‌چنین بهره‌گیری از همه دستاوردهای گذشتگان، سه عنصر اساسی در موفقیت او در این دانش است.

از این رو، با گذشت بیش از هشت قرن از تألیف این کتاب، می‌توان توجه بالای علما و صاحب نظران پس از او به کتاب را دلیلی محکم بر قوت کار وی دانست.

الکتاب

كتاب نامه

- أشنایی با جوامع حدیثی شیعه و اهل سنت، علی نصیری، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۵.
- أشنایی با علوم حدیث، علی نصیری، قم: مرکز مدیریت حوزه علمی، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- اساس البلاغة، زمخشری، محمود بن عمر، بیروت: دار صادر، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
- أعيان الشيعة، سيد محسن امين، بيروت: دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ ق.
- البداية و النهاية، ابن كثير، تحقيق: احمد عبد الوهاب فتيح، القاهرة: دار الحديث، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
- البلغة في تاريخ ائمة اللغة، فيروزآبادی مجد الدين محمد بن يعقوب، المكتبة العصرية.
- التحقيق في كلمات القرآن الكريم، حسن مصطفى، تهران: بنگاه ترجمه و نشر كتاب، ۱۳۶۰.
- الدر النثير تلخيص النهاية ابن الاثير، جلال الدين سيوطي، تحقيق: دكتور مصطفى الذهبي، القاهرة: دار الحديث.
- الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية، زين الدين بن علي بن احمد عاملی (شهيد ثانی)، تحقيق: سيد محمد كلانتر، قم: كتاب فروشی داوری، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.
- الصحاح، اسماعيل بن حماد جوهری، تحقيق: احمد عبد الغفور عطار، دار العلم للملايين، چاپ اول، ۱۳۷۶ ق.
- العين، خليل بن احمد الفراهيدي، تحقيق: مهدي المخزومي و ابراهيم السامراي، اسوه، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
- الغريبين في القرآن و الحديث، هروي، تحقيق: احمد فريد المزيدي، رياض: مكتبة نزار مصطفى الباز، ۱۴۱۹ ق.
- الفائق في غريب الحديث، زمخشری، محمود بن عمر، مصر: مطبعة الحلبي.
- القاموس المحيط و القابوس الوسيط، محمد بن يعقوب فيروزآبادی، دار احياء التراث العربي.
- المجموع في شرح المهذب، محي الدين نووي، نسخه دوم نرم افزار المكتبة الشامله.
- المصباح المنير، فيومي، دار الهجرة، ۱۴۰۵ ق.
- المعجمية العربية نشأتها و مكائنها و تاريخ المعجمات العالم، عناد غزوان، المجمع العلمي، چاپ اول، ۱۴۲۵ ق.
- الميزان في تفسير القرآن، سيد محمد حسين طباطبائي، قم: انتشارات اسلامي، ۱۴۱۷ ق.
- النهاية في غريب الحديث و الأثر، ابن اثير، تحقيق: ابو عبد الرحمن صلاح بن محمد بن عويضة، بيروت: دار الكتب العلمية.

- الوافي، فيض كاشاني، تحقيق: ضياء الدين حسيني اصفهاني، اصفهان: كتابخانه امام امير المؤمنين، ١٤٠٦ ق.
- إنباه الرواة على أنباه النحاة، قفطى، تحقيق: محمد ابو الفضل ابراهيم، القاهرة: دار الكتب و الوثائق القومية، چاپ دوم، ١٤٢٦ ق.
- بحار الأنوار، محمد باقر مجلسى، لبنان: مؤسسه الوفاء، ١٤٠٤ ق.
- بغية الوعاة، جلال الدين سيوطى، تحقيق: محمد ابو الفضل ابراهيم، المكتبة العصرية.
- تاج العروس من جواهر القاموس، محمد مرتضى الحسينى زيدي، تحقيق: عبد الستار احمد فراج، دار الهداية، ١٣٨٥ ق.
- تاريخ الأدب العربى، برو كلمان، الهيئة العامة للكتاب، ١٩٩٣ م.
- تبیین الحقائق شرح كنز الدقائق، فخر الدين عثمان بن على الزبيلى، نسخه دوم نرم افزار المكتبه الشامله.
- تدريب الراوى فى شرح تقريب النواوى، جلال الدين سيوطى، تحقيق: عبد الوهاب عبد الطيف، قاهره: دار التراث، چاپ دوم، ١٣٩٢ ق.
- تفسير القرآن الكريم، سيد مصطفى خمينى، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى، چاپ اول، ١٤١٨ ق.
- تفسير روح البيان، اسماعيل حقى بروسوى، بيروت: دار الفكر.
- تفسير غريب القرآن، زيد بن على بن الحسين، تحقيق: محمد جواد الحسينى الجلالى، مكتبه الاعلام الاسلامى، چاپ اول، ١٤١٤ ق.
- جامع الأصول فى أحاديث الرسول، ابن اثير، تحقيق: عبد القادر الأرئوط، مكتبة دار البيان، چاپ اول.
- جامع المقاصد فى شرح القواعد، محقق كركى، قم: مؤسسه آل البيت، چاپ دوم، ١٤١٤ ق.
- رد المحتار على شرح المختار، ابن عابدين، بيروت: دار الفكر للطباعة و النشر، ١٤٢١ ق.
- روح المعانى فى تفسير القرآن العظيم، أوسى سيد محمود، تحقيق: على عبد البارى عطيه، بيروت: دار الكتب العلميه، چاپ اول، ١٤١٥ ق.
- سير أعلام النبلاء، ذهبى، تحقيق: محب الدين ابى سعيد عمر بن غراسه العمروى، بيروت: دار الفكر، چاپ اول ١٤١٧ ق.
- جواهر الكلام فى شرح شرائع الاسلام، محمد حسن بن باقر نجفى، محقق: شيخ عباس قوچانى، بيروت: دار احياء التراث العربى، چاپ هفتم.
- غريب الحديث، حربى، تحقيق: سليمان بن ابراهيم بن محمد العايد، چاپ اول، ١٤٠٥ ق.
- غريب الحديث، خطابى، تحقيق: عبد الكريم ابراهيم الغزبواى، مكة: دار النشر، ١٤٠٢ ق.

- كشاف القناع عن متن الاقناع، منصور بن يونس بن ادريس بهبوتى، نسخه دوّم نرم افزار المكتبه الشامله.
- لسان العرب، ابن منظور، تحقيق: امين محمّد عبد الوهاب و محمّد الصادق العبيدى، بيروت: دار إحياء التراث، چاپ اول، ١٤١٦ ق.
- لسان العرب، ابن منظور، قم: نشر ادب الحوزة، ١٤٠٥ ق.
- لغة القرآن دراسة توثيقية فنية، مختار عمر أحمد، مؤسسة الكويت للتقدم العلمى، چاپ سوم، ١٤١٨ ق.
- ماهنامه المنهاج، ش ٣٧، «الموروث الاسلامى فى غريب القرآن و الحديث»، محمّد عباس دهينى.
- مجمع البحرين، طريحي فخر الدين، تحقيق: احمد الحسينى، بيروت: مؤسسه الوفاء، چاپ دوم، ١٤٠٣ ق.
- محاسن التأويل، قاسمى محمّد جمال الدين، تحقيق: محمّد باسل عيون السود، بيروت: دار الكتب العلميه، چاپ اول، ١٤١٨ ق.
- معالم الدين و ملاذ المجتهدين، جمال الدين حسن بن زين الدين عاملى، قم: مؤسسه الفقه لطباعه و النشر، چاپ اول، ١٤١٨ ق.
- معرفة انواع علم الحديث، ابن صلاح، تحقيق: عبد اللطيف الهميم و ماهر ياسين الفحل، مكّه: مكتبة عباس احمد الباز، چاپ اول، ١٤٢٣ ق.
- مفتاح الكرامه فى شرح قواعد العلماء، جواد بن محمّد حسينى عاملى، تحقيق: شيخ محمّد باقر خالصى، قم: انتشارات اسلامى، چاپ اول، ١٤١٩ ق.
- مفردات الفاظ القرآن، راغب الاصفهانى، تحقيق: صفوان عدنان داوودى، قم: ذوى القربى، چاپ چهارم، ١٤٢٥ ق.
- منال الطالب فى شرح طوال الغرائب، ابن اثير، تحقيق: الدكتور محمود محمّد الطناحى، قاهره: مكتبة الخانجى، چاپ دوم، ١٤١٧ ق.
- منهج ابى عبيد فى تفسير غريب الحديث، زيدى كاصد ياسر و وليد بن احمد الحسين.
- وفيات الأعيان، ابن خلكان، تحقيق: احسان عباس، بيروت: دار الثقافه.